سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. یکی از شئون و ویژگیهای قرآن سترگ، «**مهیمن علی الکتب**» است (بحارالانوار ۸: ۲۱۰، اختصاص: ۳۴۷): نگاهبانِ کتابهای آسمانیِ پیشین که آنها را استوار می‌دارد. به‌جاست که در این مجال، با اشاره به این ویژگی، نگاهی به بایسته‌های علمی و عملی خود در مواجهه با دنیای فعلی بیفکنیم. بدین روی، یک بار به ویژگی یاد شدهٔ کتاب الله و عوامل مهجوریّت آن، می‌نگریم و بار دیگر به وضع فعلی جهان و سرانجام، به وظیفه‌ای که در این میان در پیش داریم.

۲. این ویژگی از افتخارات قرآن است: **جعلته مهیمناً علی کلّ کتاب أنزلته** (اقبال الاعمال: ۲۶۷؛ صحیفهٔ سجّادیّه، دعای ۴۲)؛ چنان‌که به تعبیر دیگر در مورد خاتم‌الانبیاء ﷺ آمده که «**مهیمناً علی المرسلین**» است. (نهج البلاغه، نامه ۶۲) در معنای کلام، اندکی درنگ کنیم.

آشناییِ ما با پیامبران پیشین چگونه است؟ ما که آن بزرگ مردان الاهی را ندیده‌ایم و در زمان آنها نبوده‌ایم. پس راهی به این مطلب نداریم جز اعتماد به روایات موثّق و معتبر که با عقل سلیم منافات نداشته باشد؛ چرا که حجّت ظاهره (انبیاء و اوصیاء) با حجّت باطنه (عقل موهبتی الاهی) هرگز تضادّ و معارضه ندارد. این دو حجّت، از ناحیهٔ خدای واحد آمده‌اند و پیامهایی که از بارگاه الاهی آورده‌اند، با هم سازگار است. این اصلِ اصیل و رکن قویم، هم در شناخت پیامبران به حقّ از مدّعیان باطل کاربرد دارد و هم در تمییز اخبار معتمدِ پیامبران از اخبار منسوب به آنها.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.2.8]

۳. در میان پیامبران الاهی، روشن‌ترین گزارشها مربوط بـه حـضرت مـحمّدبن عبدالله ﷺ است. این سخن، از سرِ تعصّب مسلمانی یـا گـزاف‌گـویی و اغـراق و مبالغه‌های رایج نیست؛ بلکه واقعیتی است که تاریخ بر آن گواه است. همین سان، در میان کتابهای آسمانی، روشن‌ترین وضعیّت، مربوط به قرآن است؛ کتابی که از نخستین روز نزول، بدون هیچ‌گونه تحریف و تغییر و تبدیل، در اختیار مسـلمانان بوده و هست و نسخه‌های کهنِ باقی‌مانده از سده‌های پیشین و یکسـانیِ آنـها بـا نسخه‌های کنونی، بر این حقیقت گواهی می‌دهد. این دین وکتاب، بهترین ابزارها را برای شکوفاییِ سرمایهٔ خداداد عقل در اختیار دارند؛ ابزارهایی که سـوگمندانـه، کمترین میزان بهره‌وری از آنها انجام شده است. عقل سلیم با پشتیبانیِ این ابزارها، به‌خوبی، می‌تواند صحّت و سقم مطالب منسوب به پیامبران پیشین را بـررسی و ارزیابی کند. یکی از معانی «مهیمن بودن قرآن و رسول خاتم» همین است.

۴. در صحّت نبوّت پیامبران پیشین تردیدی نیست. ایمان به تک‌تک آن گرامیان، لازمهٔ قطعی ایمان به خدای حکیم است. بر این مدّعا، دهها دلیل می‌توان آورد که نیازی به آنها نیست. امّا سخن در برخی از کـلمات و کـردارهـای مـنسوب بـه آن بزرگواران است که با عقل سلیم منافات دارد. در این زمینه چه باید کرد؟ یک راه که برخی از روشنفکران اروپایی در پیش گرفته‌اند، الحاد است؛ یعنی انکار آن پیامبران، یا ـ دست کم ـ انکار قداست و فضائل آسمانی آنها. این راه، به یقین، خـطاست؛ گرچه طرفداران آن نسبتاً زیادند. گفت‌وگو دربارهٔ آن، مجالی دیگر و مقالی دیگـر می‌طلبد.

ما رویکردی دیگر در برخورد بـا آن سـخنان و کـردارهـای مـنسوب پـیشنهاد می‌کنیم. می‌گوییم: آنچه را به پیامبران منسوب است و با عقل سلیم منافات دارد، در یکی از دو عنوان زیر جای دهیم:

الف) خبرِ نسبت داده شده به آن پیامبر، نادرست باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.2.8]

ب) از خبر درست، تفسیر نادرست ارائه شده باشد.

به هر حال، اگر یکی از این دو احتمال را پی‌گیریم و به این ارزیابی برسیم، می‌توان هم به قداست و عظمت پیامبران الاهی ایمان آورد و هم از شرّ کلمات و حرکات ضدّ عقلی در امّان ماند.

۵. یکی از ضوابط محکم در این ارزیابی، قرآن، به عنوان آخرین و محکم‌ترین کتاب خدا درکنار سنّت نبوی است. بر اساس این مواریث استوار، می‌توان فرهنگ دینیِ پیروان ادیان پیشین را محکّ زد و سره را از ناسره جدا کرد.

این را به حکم عقل می‌گوییم؛ نه تعصّب دینی اسلامی. در متون دینی ما، پیامبران الاهی و شرایع آنان چنان تنزیه شده‌اند که در هیچ منبع دیگر نمی‌توان یافت. حجم منقولاتِ فطری عقلی از تورات، انجیل، زبور، صحف ابراهیم و دیگر موارد وحی الاهی به پیامبران پیشین، در روایات پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام آن چنان گسترده است که می‌توان چندین مجلّد کتاب از آنها گرد آورد. همچنین تلاشهای پیامبر و اهل بیت برای دفاع از حریم قدسی ملکوتی پیامبران پیشین، در برابر پیرایه‌هایی که به آن بزرگ‌مردان بسته‌اند، در روایات ما مشهود است. این نکته جلوه‌ای است از آن حقیقت که گفتیم: قرآن و رسول خاتم«مهیمن» بر کتابهای آسمانی و پیامبران پیشین‌اند. البتّه این حقیقت، جلوه‌های دیگر هم دارد که در این مختصر نمی‌گنجد.

۶. نکته‌ای راکه در بند ۴گفته آمد، در مورد برخی از آثار دانشمندان مسلمان نیز می‌یابیم. در آن موارد نیز برخی از نوگرایان کشورهای اسلامی به «زمینی‌کردن مفاهیم قدسی آسمانی» روی آورده‌اند؛ ولی باز هم ما همان رویکرد را پیشنهاد می‌کنیم؛ یعنی بررسی متون و تفاسیر آنها و پالودن سره از ناسره. این کار، ما را به بازبینی آثار دانشمندان مسلمان می‌کشاند که به ضابطه‌ای استوار نیازمند است. این ضابطه را بر مبنای وصیّت جاودانهٔ رسول خاتم، قرآن و عترت، می‌دانیم. فاصله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.2.8]

گرفتن از این دو ودیعهٔ گران‌سنگ الاهی، پای تحریفهای احبار و رهبان امّتهای پیشین را به آثار این امّت گشوده است. در این راستا، هرگز نمی‌توان فراموش کرد که چگونه در صدر اسلام، در سالهای پس از رحلت پیام‌آور رحمت، سه حرکت همزمان، چه فاجعه‌هایی فرهنگی پدید آورد:

الف) منع تدوین و نشر حدیث؛

ب) منع تفسیر قرآن و اکتفا به تلاوت؛

ج ـ بازگذاشتن دست «قصّاص»ها (قصّه خوانان) که مطالب کتابهای تحریف‌شدهٔ پیشین را به عنوان قصّه‌های قرآنی، ترویج کردند و پس از آن، همان مطالب به کتابهای تفسیری منتقل شد.

این حرکتهای زشت، سبب شد که نقش «مهیمن» بودن قرآن و اسلام، کمرنگ شود و آنچه باید عمود خیمهٔ حقیقت مداری می‌بود، خود به عامل ترویج خرافات پیشین و «اساطیر الأوّلین» بدل شد.

۷. «نقش ائمّه در احیاء دین» در این راستا، قابل توجّه است. امامان معصوم ما، تلاش گستردهٔ خود را در جهت احیای دین صحیح و زدودن پیرایه‌ها به کارگرفتند و قرآن را به عنوان «مهیمن کتابهای پیشین» جان بخشیدند؛ در عین حال که ـ به دلیل فرهنگ حاکم اموی و عباسی ـ شمار پیروان آنها، هیچ گاه از عدد معدودی فراتر نرفت. چنین است که می‌بینیم امام باقر علیه‌السلام در نامه‌ای بسیار مهم ـ که دردنامه‌ای است بسیار جانسوز ـ از «تحریف معنوی قرآن به دست کسانی که مانند احبار و رهبان پیشین در این امّت‌اند»، شکوه می‌کند. امام باقر علیه‌السلام در این سند ارزشمند، اشاره می‌کند که: «جاهلان را روایت کتاب خوش آید؛ در حالی که عالمان، از ترکِ رعایت کتاب به درد می‌آیند.» (روضهٔ کافی، ح ۱۶: نامه به سعد الخیر)

۸. روزگار ما «روزگار رواج گفت‌وگو به جای برخوردهای تند و زشت گذشته» نام گرفته است. فعلاً به صحّت این مدّعا نمی‌پردازیم. می‌توان در بدترین احتمال،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.2.8]

فرض را بر این گرفت که همان برخوردهای تند، لباسی از ملایمت بر تن کرده‌اند. ولی به هر حال، مدّعا، مدّعای ملایمت است.

برخورد صحیح با این مدّعا می‌طلبد که مسلمانان در برابر دیگر ادیان ـ به ویژه آنها که ریشهٔ الاهی دارند، مانند یهودیّت و مسیحیّت ـ با توجه به شأن «مهیمن» بودن قرآن و دین خود، به گفت و شنود استدلالی، بپردازند و سنّت امامان معصوم را در مناظره‌ها و احتجاجهای استوارشان، زنده کنند. بدین سان، خطابهای برادرانه با اهل کتاب را ـ که چهارده قرن سند افتخار امامیه در برابر آنان بوده است ـ تجدید کنند. توجّه شود که این خطابها، در زمانی بود که اهل کتاب، از خلفای جور، جز برخوردهای تند و اهانت و ضرب و جرح، نمی‌دیدند. تفاوت این‌گونه برخوردها، به چند دلیل بود؛ از جمله آنکه امامان معصوم و پیروانشان، به دلیل قوّت استدلال، هراسی از دیگران به خود راه نمی‌دادند؛ در حالی که دیگر مدّعیان اندیشهٔ اسلامی، سرمایهٔ علمی در اختیار نداشتند.

۹. اکنون زمانی است که گروه‌های تکفیری، با برخوردهای زشت و افراطی، چهره‌ای زشت و خشن از اسلام ترسیم کرده‌اند؛ حال آنکه روش صحیح برخورد با اندیشه‌های دیگر، به تعبیر قرآن: «دعوت به حکمت، اندرز نیکو، جدال احسن» است. (نحل (۱۶) / ۱۲۵) «مهیمن» بودن قرآن نیز سرمایه‌ای بزرگ است که پشتوانه‌ای استوار برای کتابهای آسمانی دیگر است و پیروان صادق آنها را سبب پشتگرمی است.

امروز، می‌توان و باید، راههای مناظره با دیگران را از اهل بیت ـ که تنها مفسّران و مفسّران صحیح قرآن‌اند ـ فرا گیریم و در پرتو نور آن، با دیگران سخن گوییم و بدانیم که اگر نیّت ما خالص باشد و در راه خدا گام نهیم، راههای خود را به ما می‌نمایاند. (عنکبوت (۲۹) / ۶۹)

۱۰. حُسن ختام این گفتار، اشاره‌ای است به روز ظهور موعود که روز احیای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.2.8]

حقایق تمام کتابهای آسمانی است؛ روزی که قرآن به عنوان «مهیمن» بـه تـمام و کمال، جلوه می‌کند. در آن روز با شکوه، تمامِ افراد منصف امّتهای پیشین، به اسلام می‌گروند؛ چرا که همهٔ پیامبران معجزات خود را به دست با کفایت آخرین حجّت خدا می‌بینند. از سوی دیگر، حقایقِ ناگفتهٔ کتابهای آسمانی پیشین را با تبیینِ امامی که «وارث تمام آن پیامبران و اوصیای آنان» است (کافی، ج ۱: ۲۳۱) می‌شنوند و به حکم عقل سلیم، بدان گردن می‌نهند. آنجاست که همسانی میان قرآن با کتابهای صحیح آسمانی پیشین، ظاهر می‌شود و احیای قرآن را در آن زمان به خوبی می‌توان دید؛ همان خواسته که در دعای مأثور، از خدای بزرگ می‌خواهیم: **اللّهمّ و أحـي بولیّك القرآن.**

آمادگی درونی و زمینه‌سازی بـرای فـرا رسـیدن آن لحـظاتِ بـی‌مانند، وظـیفهٔ همیشگی ماست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.2.8]